



Original Research Paper

Cigarette consumption and reconstruction of gender identity: Lived experiences of female students of Kharazmi University from smoking

Karam Habibpour Gatabi¹, Fatemeh Yousefi Ilzoleh²

¹ Associate Prof. of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran

² Msc. in Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran,

ARTICLE INFO

Received: May 22, 2022

Reviewed: May 23, 2022

Revised: July 11, 2022

Accepted: July 16, 2022

KEYWORDS

social identity
gender identity
identity reconstruction
masculinity
otherness

* Corresponding Author

karamhabibpour@khu.ac.ir

☎ +21 86070778

How to Cite this article:

Habibpour Gatabi, K., & Yousefi Ilzoleh, F. (2022). Cigarette consumption and reconstruction of gender identity: Lived experiences of female students of Kharazmi University from smoking. *University Studies*, 1(1), 35-62.

URL:

http://www.jous.ir/article_413.html

Copyright:

© The Authors. This is an open access article under the [CC BY 4.0](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) license

ABSTRACT

Background and Objectives: Smoking among female students is a fundamental paradox; In the sense that, as expected, students, as cultured and educated people, on the one hand, have sufficient awareness and knowledge about smoking and its consequences, but on the other hand, due to various reasons that need to be studied and checked, they have tendency to consuming it and continue that.

Methods: Considering that the main purpose of this research was to study the lived experience of female students of smoking and the textural and structural conditions of this experience, therefore, the paradigm of this research was interpretive, its methodology was qualitative, and its method was phenomenological with a descriptive approach. The participants in this research were the female students of Kharazmi university in undergraduate and graduate degrees in all disciplines in the academic year 2017-2018, and 13 of them were interviewed in depth with a theoretical saturation criterion to reach the sample size. The method of selecting the participants was purposeful sampling with a combination of snowball and available strategies, and Colaizzi strategy was used to analyze the data, which includes 7 stages and is based on descriptive phenomenology, and during it, each stage that we went forward, got closer to the data and the essence of the participants' experience based on this data.

Findings: By consuming cigarettes and using it as a norm and a tool to distinct, be seen and resist against masculinity discourse and knowledge system, subjectification and its dividing practices in society, female students have tried to reconstruct their gender identity and want to change the "otherness" made of their identity by others during social relations and build a new gender identity based on the modern values of carrying their ideal self. This gender identity of today's modern women is not a fixed and unchanging thing and is subject to the process of "reflection" under the influence of various conditions and contexts. That is, today's female students in modern society are reflective human beings and they define and redefine themselves by observing and reflecting psychological and social information about the possible paths of life, they constantly create and correct their self identity, and they constantly review who they are and how they became like this.

Conclusion: Cigarette consumption is both an area for women's subjugation and domination and also an area for resistance against dominant ideologies and discourses. The smoking of female students is an act of self-definition, redefining or an act of resistance for them with marginal and stigmatized identities, who try to redefine and reconstruct their gender identity by consuming it.



فصلنامه مطالعات دانشگاه

Homepage: <http://www.jous.ir>

مقاله پژوهشی

مصرف سیگار و بازسازی هویت جنسیتی: تجارب زیسته‌ی دانشجویان دختر دانشگاه خوارزمی از مصرف سیگار

کرم حبیب‌پور گنابی*، فاطمه یوسفی ایل ذوله^۲

^۱ دانشجویار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
^۲ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱ تاریخ داور: ۱۴۰۱/۰۳/۰۲ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۴/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۵</p>	<p>پیشینه و اهداف: مصرف سیگار در بین دانشجویان دختر یک پارادوکس اساسی است؛ از این حیث که طبق انتظار، دانشجویان، به‌عنوان افرادی فرهیخته و تحصیل کرده، از یک سو از آگاهی و شناخت کافی در مورد مصرف سیگار و پیامدهای آن برخوردارند، اما از سوی دیگر، بنابه دلایل مختلفی که نیاز به مطالعه و تدقیق دارد، به مصرف آن گرایش یافته و استمرار می‌بخشند.</p> <p>روش: با عنایت به این‌که هدف اصلی این تحقیق مطالعه‌ی تجربه‌ی زیسته دانشجویان دختر از مصرف سیگار و شرایط متنی و ساختاری این تجربه بود، بنابراین پارادایم این تحقیق، تفسیری، روش‌شناسی آن کیفی و روش آن پدیدارشناسی با رویکرد توصیفی بود. مشارکت‌کنندگان در این تحقیق دانشجویان دختر دانشگاه خوارزمی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در کلیه‌ی رشته‌های تحصیلی در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بودند که با ۱۳ نفر از آن‌ها مصاحبه‌ی عمیق نیمه‌ساختاریافته با معیار اشباع نظری برای رسیدن به حجم نمونه شد.</p> <p>یافته‌ها: دانشجویان دختر با مصرف سیگار و استفاده از آن به‌عنوان امری به‌هنگار و ابزاری برای تمایز، دیده شدن و مقاومت علیه گفتمان مردانگی و نظام دانایی، سوژه‌سازی و کردارهای تقسیم‌کننده‌ی آن در جامعه، سعی در بازسازی هویت جنسیتی خود داشته و خواهان آن‌اند «دیگری» بر ساخته‌شده از هویتشان توسط دیگران در خلال مناسبات اجتماعی را تغییر داده و هویت جنسیتی جدیدی را بر مبنای ارزش‌های مدرن حمل بر خود آرمانی خویش بر سازند. این هویت جنسیتی زنان امروزی امری ثابت و لاین تغییر نبوده و تحت تأثیر شرایط و زمینه‌های مختلف، دستخوش فرایند «بازاندیشی» است؛ یعنی دانشجویان دختر امروز در جامعه‌ی مدرن، انسان بازاندیش‌اند و به تعریف و بازتعریف خود از طریق مشاهده و بازتاب اطلاعات روانشناختی و اجتماعی درباره‌ی مسیرهای ممکن زندگی می‌پردازند، دانماً هویت شخصی خود را خلق و تصحیح می‌کنند، و این‌که که هستند و چگونه این‌گونه شدند را مدام مرور می‌نمایند.</p> <p>نتیجه‌گیری: مصرف سیگار هم حوزه‌ای برای انقیاد و سلطه‌ی زنان و هم حوزه‌ای برای مقاومت در برابر ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌های مسلط است. سیگار کشیدن دانشجویان، یک کنش خودتعریفی، بازتعریفی و یا یک کنش مقاومت برای آنها با هویت‌های حاشیه‌ای و داغ‌نگ است که سعی می‌کنند با مصرف آن، هویت جنسیتی خود را بازتعریف و بازسازی کنند.</p>
<p>واژگان کلیدی هویت اجتماعی هویت جنسیتی بازسازی هویت مردانگی دیگری</p> <p>* نویسنده مسئول karamhabibpour@khu.ac.ir ۰۲۱۸۶۰۷۰۷۷۸ ①</p>	
<p>چگونه به این مقاله ارجاع دهیم: حبیب‌پور گنابی، کرم؛ و یوسفی ایل ذوله، فاطمه (۱۴۰۱). مصرف سیگار و بازسازی هویت جنسی: تجارب زیسته دانشجویان دختر دانشگاه خوارزمی از مصرف سیگار. فصلنامه مطالعات دانشگاه، (۱)، ۶۲-۳۵.</p>	
<p>کی‌رایت: © نویسندگان / دسترسی به متن کامل مقاله براساس قوانین کپی‌رایت کامانز CC BY 4.0 آزاد است.</p>	

۱. مقدمه

زنان حدود ۲۰ درصد از بیش از یک میلیارد سیگاری جهان را تشکیل می‌دهند و اپیدمی مصرف دخانیات در بین زنان در برخی کشورها رو به فزونی است. موضوع نگران‌کننده افزایش آن در بین دختران است. گزارش اخیر سازمان جهانی بهداشت به شواهدی اشاره می‌کند که تبلیغات دخانیات به‌طور فزاینده‌ای دختران را هدف قرار داده است. داده‌های ۱۵۱ کشور نشان می‌دهد که حدود ۷ درصد از دختران نوجوان و در مقابل ۱۲ درصد از پسران نوجوان سیگار می‌کشند. در برخی کشورها، تقریباً به اندازه‌ی پسران، دختران سیگار می‌کشند. پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۵، بالغ بر ۲۰ درصد از زنان در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته سیگاری باشند (یعنی بیش از ۵۰۰ میلیون زن) (نقل از: Mandil et al., 2010).

در ایران نیز چنین جریانی حاکم است و با تغییر انگاره‌ی مصرف دخانیات در بین شهروندان با ویژگی‌های جوان شدن، قلبانی شدن، جنسیتی شدن، خانوادگی شدن و غیرطبقاتی شدن مواجه‌ایم. جنسیتی شدن مصرف سیگار و افزایش شدید گرایش زنان به مصرف آن و دخانیات به‌طور کل، که مرتبط با موضوع مقاله‌ی حاضر است، در کشورهای دیگر اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه نیز در حال وقوع است. بر اساس مطالعه‌ای در بین نمونه‌ای از زنان شهر تهران، ۵.۴ درصد از زنان جزو سیگاری روزانه/فعال، ۱.۱ درصد سیگاری تفننی/اتفاقی، و ۱.۴ درصد سیگاری ترک‌کرده بودند (حبیب‌پور گتایی، ۱۳۹۸: ۱۰۱). چنین افزایشی پیامدهای سلامتی، اقتصادی، جنینی و خانوادگی زیادی خواهد داشت (رمضانی و همکاران، ۱۳۸۹؛ احتشامی، ۱۳۹۴؛ ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۴). برای نمونه، افراد سیگاری، در مقایسه با افراد غیرسیگاری، به نسبت بیشتری دچار بیماری‌های روان‌پریشی، ناسازگاری اجتماعی، اضطراب، افسردگی، غمگینی، نگرانی و بیماری‌های قلبی، عروقی و تنفسی می‌شوند؛ ضمن این‌که سلامت عمومی و روانی جامعه با مصرف سیگار نیز بی‌ارتباط نیست (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۴). به همین دلیل است که سازمان جهانی بهداشت موضوع روز جهانی بدون دخانیات را در سال ۲۰۱۰ «جنسیت و دخانیات با تأکید بر بازاریابی برای زنان» انتخاب کرده است (نقل از: Mandil et al., 2010).

با این حال، علی‌رغم مضرات شناخته‌شده‌ای که سیگار روی سلامتی افراد و جامعه دارد، بسیاری از دختران جوان، به‌ویژه دانشجویان، دست به این رفتار پرخطر می‌زنند و مصرف سیگار را قبل یا بعد از ورود به دانشگاه آغاز کرده و یا ادامه می‌دهند. استعمال دخانیات میان دانشجویان رشته‌های مختلف، با وجود آگاهی آنان نسبت به پیامدهای منفی و زیان‌هایش، رو به افزایش است (افراسیابی و مداحی، ۱۳۹۴). بر اساس مطالعه‌ای در سال ۱۳۹۸، سیگار بعد از قلیان شایع‌ترین ماده‌ی دخانی



مصرفی در بین دانشجویان دختر خوابگاهی در دانشگاه‌های دولتی است (سراجزاده و حبیب‌پور گتایی، ۱۳۹۸). بنابراین، مصرف سیگار در بین دانشجویان یک پارادوکس اساسی است؛ از این حیث که طبق انتظار، دانشجویان، به‌عنوان افرادی فرهیخته و تحصیل کرده، از یک سو از آگاهی و شناخت کافی در مورد مصرف سیگار و پیامدهای آن برخوردارند، اما از سوی دیگر، بنابه دلایل مختلفی که نیاز به مطالعه و تدقیق دارد، به مصرف آن گرایش یافته و استمرار می‌بخشند.

مطالعات بسیاری به مطالعه‌ی مصرف سیگار در بین دانشجویان پرداخته‌اند، اما این مطالعات عمدتاً محدود به شیوع سیگار و عوامل مستعدکننده‌ی آن در میان دانشجویان بوده و درعین حال به کلیت دانشجویان (برای نمونه انصاری، خسروی و مختاری، ۱۳۸۶؛ رضاخانی مقدم و همکاران، ۱۳۹۱؛ افراسیابی و مداحی، ۱۳۹۴؛ اکبری و سراجزاده، ۱۳۹۷) و حتی گروه‌های اجتماعی غیردانشجو فارغ از جنسیت آن‌ها پرداخته و گاه نیز به مقایسه‌ی جنسیتی آن‌ها پرداخته‌اند و صرف اشاره به مصرف سیگار و فهم و تجارب زیسته‌ی آن در بین دانشجویان دختر، جز از طرف معدودی از مطالعات (برای نمونه، سعیدی، دیباجی فروشانی و فیروزآبادی، ۱۳۸۹)، مورد توجه قرار نگرفته است. علاوه‌براین، پژوهش‌هایی که تا کنون صورت گرفته‌اند، بیشتر با روش‌شناسی کمی بوده‌اند. بنابراین، دانش و ادبیات موجود در زمینه‌ی مصرف سیگار در بین دانشجویان دختر، حتی مشخصاً در دانشگاه‌های دولتی، به‌ویژه از منظر درک تجارب زیسته‌ی دانشجویان از آن، با ضعف جدی مواجه است و سویه‌های بسیاری از این واقعیت اجتماعی ناروشن است، از جمله این‌که دانشجویان دختر سیگاری چه درک و فهمی از مصرف سیگار دارند و در چه نظام معنایی از آن با هم مشترک‌اند، چه تجارب زیسته‌ای در زمینه‌ی مصرف سیگار دارند، ذات این آگاهی چیست، تجارب زیسته‌ی آنان از مصرف سیگار در چه شرایط متنی و ساختاری شکل گرفته و استمرار یافته است، و موضوعاتی نظیر آن. مسلم این‌که این سویه‌های ناروشن نیاز به تدقیق و مطالعه‌ی بیشتر با جهتگیری‌های معرفتی و روشی گوناگون دارد. مطالعه‌ی حاضر در پی پر کردن بخشی از این خلأ و انباشت مطالعاتی در این حوزه است.

در همین راستا، با عنایت به شیوع فزاینده‌ی مصرف سیگار در بین دانشجویان دختر، به‌عنوان قشر تحصیل کرده، جمعیت جوان و آینده‌سازان جامعه از یک سو و خلأ مطالعاتی در این زمینه از سوی دیگر، تحقیق در زمینه‌ی مصرف سیگار در بین این گروه ضروری است. مطالعه‌ی حاضر، با استفاده از روش‌شناسی کیفی و روش پدیدارشناسی، به مطالعه‌ی مصرف سیگار در بین دانشجویان دختر دانشگاه خوارزمی پرداخته و به این دو سؤال کلیدی پاسخ می‌دهد: ۱. دانشجویان دختر دانشگاه خوارزمی چه تجارب زیسته‌ای در زمینه‌ی مصرف سیگار دارند؟ ۲. این تجارب در چه شرایط متنی و ساختاری شکل گرفته است؟



۲. چارچوب مفهومی

چارچوب مفهومی این تحقیق با ابتنای بر چندین مفاهیم حساس شامل هویت، هویت جنسیتی و بازاندیشی هویت جنسیتی شکل گرفته و بر اساس انسجام این مفاهیم در یک نظام معنایی خاص، به توصیف و تفسیر مصرف سیگار در بین دانشجویان دختر پرداخته شده است.

هویت به معنای شناسایی و شناساندن است؛ یعنی انسان‌ها «خود» را در برابر «خود» شناسایی کرده و بر همین اساس خود را به دیگران نیز می‌شناسانند. بنابراین، هویت، به معنی «چه کسی بودن»، از نیاز انسان به شناخته شدن و معرفی شدن به چیزی یا جایی نشئت می‌گیرد. هویت تعریفی است که فرد از خود و وجود خود می‌کند و به پرسش‌های «چه می‌خواهم» و «چیستم» پاسخ می‌دهد و از طریق هویت به ابعاد شخصیت خود نوعی هماهنگی و انسجام نسبی می‌بخشد (علیخانی، ۱۳۸۶: ۳۴۲). جنکینز «هویت اجتماعی» و «هویت» را مترادف هم فرض می‌گیرد و معتقد است همه‌ی هویت‌های انسانی به یک معنا هویت‌های اجتماعی‌اند و محال است غیر از این باشد. فقط به‌خاطر آن‌که هویت به معنا مربوط می‌شود و معنا خصیصه‌ی ذاتی واژه‌ها و اشیا نیست، معنا همواره نتیجه‌ی توافق و عدم توافق است، همواره موضوع قرارداد و نوآوری است، همواره تا اندازه‌ای به اشتراک گذارده می‌شود و تا اندازه‌ای در باب آن چون‌وچرا می‌شود. از نظر او، هویت اجتماعی برساخته می‌شود، یک بازی است که در آن «رودررو بازی می‌شود»، و عبارت از شیوه‌هایی است که به‌واسطه‌ی آن‌ها، افراد و جماعت‌ها در روابط اجتماعی خود از افراد و جماعت‌های دیگر متمایز می‌شوند و برقراری و متمایز ساختن نظام‌مند نسبت‌های شباهت و تفاوت میان افراد، میان جماعت‌ها، و میان افراد و جماعت‌ها است. شباهت و تفاوت با هم اصول پویای هویت و کنه زندگی اجتماعی هستند. هویت اجتماعی درک ما از این مطلب است که چه کسی هستیم و دیگران کیستند و از آن طرف، درک دیگران از خودشان و افراد دیگر چیست (جنکینز، ۱۳۸۱: ۸-۷).

از دیدگاه برساخت‌گرایی اجتماعی، جنسیت یک برساخته‌ی اجتماعی چندبعدی تعریف می‌شود که به فرایندهایی اشاره دارد که از طریق آن، تعلق خود را به دسته‌های مختلف زن یا مرد بودن نشان می‌دهیم. مفهوم جنسیت از نظر فرهنگی و اجتماعی خاص است و در طول زمان تغییر می‌کند. از این منظر، جنسیت از چهار جنبه قابل بررسی است: ۱. نقش‌ها و مسئولیت‌های تعیین‌شده‌ی اجتماعی (جنسیتی شدن هنجارهای اجتماعی که بر چه کسی، چگونه، کجا و چه زمانی سیگار می‌کشد تأثیر می‌گذارد)؛ ۲. جنبه‌های هویت فردی و همسویی با زنانگی یا مردانگی (سیگار کشیدن به‌عنوان «عصیان زنانه»^۱ یا «خونسردی مردانه»^۲)؛ ۳. روابط جنسیتی (تعامل‌های خرد مرتبط با دخانیات میان و بین زنان و مردان که



فصلنامه مطالعات دانشگاه

۳۸

دوره ۱، شماره ۱
پاییز ۱۴۰۱
پیاپی ۱

1. feminine rebellion
2. masculine cool

به برساخت، حفظ یا به مناقشه گرفتن جنسیت کمک می‌کند؛ و ۴. جنسیت نهادی (روش‌هایی که سازمان‌های اجتماعی، مانند صنعت دخانیات یا دولت‌ها، جنسیت را برمی‌سازند) (Bottorff, 2014).

در چندین مطالعه، هویت‌های جنسیتی زنانه یا هنجارهای مربوط به سیگار کشیدن به‌عنوان اموری پیچیده و از نظر اجتماعی مشروط دیده شده‌اند که نشان می‌دهد برداشت از سیگار کشیدن به‌عنوان یک هویت زنانه قابل تغییر است و به بازنمایی‌های فرهنگی گسترده‌تر سیگار کشیدن زنان و الگوهای مصرف جنسیتی وابسته است. این آیتم‌ها نگاهی انتقادی به تلاش‌ها برای بهره‌برداری از تفاوت‌های مبتنی بر جنسیت و عینیت بخشیدن به زنانگی و آبدان و امر جنسی زنان داشتند. این نوع تحلیل بر این فرض استوار است که هویت‌های جنسیتی از نظر اجتماعی برساخته شده‌اند و با تفاوت‌های قدرت اجتماعی مرتبط هستند و به دنبال جدا کردن مفاهیم ذات‌گرایانه‌ی زنانگی و هویت زنان هستند (Bottorff, 2014).

از نظر لوربر، هویت جنسیتی از طریق تعامل اجتماعی شکل گرفته و از کانال کارگزاران جامعه‌پذیری، اعم از خانواده، مدرسه، دوستان و رسانه‌های گروهی، به افراد منتقل می‌شود. به عبارتی، از طریق فرایند جامعه‌پذیری، کودک دارای هویت جنسیتی ویژه‌ای می‌گردد و سپس از گذر این هویت جنسیتی، کودک به بازتولید ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهایی می‌پردازد که محیط اجتماعی برای یک دختر یا پسر آمده یا تأیید کرده است (یوسف‌وند، کاروانی و رئیسی، ۱۳۹۹: ۲).

اما واقع امر این است که این هویت جنسیتی زنان امری ثابت و لایتغیر نبوده و تحت تأثیر شرایط و زمینه‌های مختلف، دستخوش فرایند «بازاندیشی»^۱ به معنای گیدنز است. بازاندیشی فرایند تعریف و بازتعریف خود از طریق مشاهده و بازتاب اطلاعات روانشناختی و اجتماع درباره‌ی مسیرهای ممکن زندگی است. بازاندیشی زندگی مدرن بدین معنا است که اعمال و عادات اجتماع به‌طور دائم آزموده می‌شوند و در پرتو اطلاعاتی که درباره‌ی آن روال‌ها اجتماع به دست می‌آیند، اصلاح می‌گردند و اصولاً پیوسته تغییر می‌کنند. گیدنز حتی دامنه‌ی بازاندیشی را به سنت نیز می‌گستراند و اشاره به سنت‌زدایی، و به عبارتی دقیق‌تر پایان سنت، می‌کند. پایان سنت نه به معنای ناپدیدشدن سنت، که به این معنا است که سنت بسیار کمتر از گذشته زندگی ما را تغییر می‌دهد (گیدنز، ۱۳۷۹: ۵۸).

به عبارتی، از منظر گیدنز، در جهان مدرن، سنت‌ها یا مضمحل می‌شوند و یا مورد بازاندیشی قرار گرفته و دوباره در جریان زندگی فرد قرار می‌گیرند. انسان مدرن انسان بازاندیش است و این بازاندیشی نتیجه‌ی تعامل بین عاملیت و ساختار می‌باشد. انسان‌ها در جامعه‌ی مدرن دائماً هویت شخصی خود را خلق و تصحیح می‌کنند و این‌که که هستند و چگونه این‌گونه شدند را مدام مرور می‌نمایند. گیدنز یکی از عوامل مهم در بازاندیشی هویت شخصی را رسانه‌ها دانسته و معتقد است اطلاعاتی که



رسانه‌ها منتشر می‌کنند، یکی از عوامل و نیروهای مؤثر در شکل‌گیری جهان اجتماعی است. این رسانه‌ها در بازاندیشی مدرن نقش محوری دارند و گزینه‌های انتخاب ما را مشخص کرده و سبک‌های زندگی را به ما معرفی می‌کنند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۵-۲۴).

تحولات دهه‌های اخیر، چه در زمینه‌های فرهنگی و چه در عرصه‌های ساختاری، به تعدد و تنوع و گاه تعارض منابع هویت‌ساز منجر شده و گسترش نوگرایی و نوسازی در عرصه‌ی جهانی، به بحران هویت در میان بسیاری از اقشار، به‌ویژه جوانان و زنان، دامن زده است. در کنار تحولات فرهنگی، دگرگونی‌های عرصه‌ی اقتصاد و مشارکت زنان در درآمدزایی و ازدیاد فرصت‌های آموزشی همراه با آن موجب تعدد گروه‌ها و گسترش روابط اجتماعی و تعلقات گروهی زنان شده و تکثر منابع هویت‌سازی زنان را در پی داشته است. تأثیر عمیق این فرایند، هم در نهادهای جامعه و هم در افزایش آگاهی زنان، موجب تضعیف مشروعیت نقش‌های زنان در خانواده‌ی سنتی (پدرسالار)، به‌ویژه در میان زنان تحصیل‌کرده و شاغل می‌شود (ساروخانی و رفعت‌جاه، ۱۳۸۳: ۷۲). بنابراین، هویت جنسیتی زنان تحت تأثیر مناسبات مختلف حاکم بر نظام است؛ به‌طوری که در سنین بالاتر و با افزایش سن، هویت جنسیتی زنان بیشتر تحت تأثیر روابط و مناسبات پدرسالاری است، اما در سنین پایین‌تر و بنابراین در نسل‌های نوجوان و جوان، هویت زنان تحت تأثیر روابط و مناسبات سرمایه‌داری قرار دارد (سیف‌اللهی و رازقیان، ۱۳۸۷: ۲۷).

امروزه، دانشجویان با برخورداری از رسانه‌ها و دریافت ارزش‌های مدرن و فرامادی، دیگر مانند سابق تحت سلطه و انقیاد نظام سنتی و ارزش‌های آن نبوده و واجد ارزش‌ها و نگرش‌هایی هستند که گاه مغایر با ارزش‌های سنتی است. بنابراین، در اثر برخورداری از این ارزش‌ها، از هر موضوع یا دقیق‌تر بگوییم رویدادی به‌عنوان ابزار مقاومت در برابر نظام کنونی سلطه استفاده می‌کنند. سیگار کشیدن دانشجویان دختر، به یک تعبیر، در این چارچوب قابل تفسیر است. آن‌ها سیگار کشیدن را به‌عنوان ابزاری برای مقاومت در برابر «جامعه‌ی جنسیتی»^۱ مورد نظر میشل کیمل می‌دانند (Kimmel, 2000)، که متشکل از نهادهایی است که ساختارهای مشخصی که عموماً جنسیتی اند بر آن حاکم‌اند. در چنین جامعه‌ای، نهادهای جنسیتی، از جمله خانواده، مدارس، دانشگاه‌ها و محل کار، به‌عنوان مراکز مراقبتی پنهان، هویت‌هایی را در مردان و زنان برمی‌سازند که یکسره جنسیتی‌اند و کردارهای مشخص و متمایزی را از این هویت‌ها برمی‌سازند.

بنابراین، سیگار کشیدن یک فرایند خودتعریفی^۲ است و با شکل‌گیری هویت ارتباط دارد؛ بدین معنی که بخشی از افراد با مصرف سیگار واجد یک هویت سیگاری می‌شوند و سعی می‌کنند بر

1. The Gendered Society
2. self-defining

اساس آن و از کانال آن خود را تعریف کنند و بر اساس این تعریف، به بازیابی و بازسازی هویت خود بر اساس منابع متکثر جدید می‌پردازند. این افراد با مصرف سیگار یک خودپنداره از سیگاری بودن اجتماعی^۱ ایجاد می‌کنند و بر این باورند که سیگار کشیدن آن‌ها محدود به موقعیت‌های اجتماعی است. این باور احتمالاً نتیجه‌ی انگیزه‌های اجتماعی آن‌ها برای سیگار کشیدن است. بنابراین، می‌توان پیش‌بینی کرد یک فرد سیگاری که انگیزه‌های اجتماعی برای سیگار کشیدن دارد، نسبت به فرد سیگاری دیگر که انگیزه‌های درونی برای سیگار کشیدن دارد، با احتمال بیشتری یک هویت اجتماعی سیگاری^۲ پیدا کند (Hertel & Mermelstein, 2016: 477).

۳. پیشینه‌ی تجربی

محققین مختلف در داخل و خارج از کشور در خصوص مصرف سیگار در بین شهروندان، دانشجویان و تا حدودی هم به‌طور ویژه در بین دانشجویان دختر پژوهش‌هایی انجام داده‌اند که در ادامه به معرفی مختصر و جامع مهم‌ترین این مطالعات پرداخته و سپس به جمع‌بندی و نقد آن‌ها و موقعیت‌یابی مطالعه‌ی حاضر در این ادبیات موجود اشاره می‌شود.

در بین مطالعات داخلی، می‌توان برای نمونه به مطالعه‌ی سعیدی، دیباجی فروشانی و فیروزآبادی (۱۳۸۹) با عنوان «عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر مصرف سیگار در بین زنان و دختران شهر تهران» اشاره کرد. البته، این تحقیق با روش‌شناسی کمی در بین ۳۴۷ نفر از دختران بالای سیزده سال در سطح شهر تهران انجام شد، اما بخشی از یافته‌های آن مرتبط با موضوع تحقیق حاضر است. طبق نتایج این مطالعه، دلایل واکنش اجتماعی، عاملیت و هنجارشکنی (در کنار عوامل دیگر) به‌طور هم‌زمان بر مصرف پنهانی سیگار توسط دختران مؤثرند و تعداد سیگار مصرفی، هم‌زمان با واکنش شرم‌ناهی و سنت‌گرایی در ارتباط است. بحیرایی، میرغفوری‌فرد، محمدی و مجدزاده (2016) در مطالعه‌ی کیفی خود در زمینه‌ی تجارب کشیدن سیگار در میان ۱۴ نفر از زنان تحصیل‌کرده‌ی ایرانی که با نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده بودند، دریافتند که از میان دلایل گوناگون، سرپیچی اجتماعی و نمادهای برابری جنسیتی که با مطالعه‌ی حاضر مرتبط‌اند، در مصرف سیگار توسط زنان مورد مطالعه نقش دارند؛ ضمن این‌که نگاه منفی و قضاوت‌آمیز به فرد سیگاری، از پیامدهای منفی مصرف سیگار برای آن‌ها می‌باشند.

1. social smoker
2. social smoker identity



سراج‌زاده و حبیب‌پور کتابی (۱۳۹۸) در مطالعه‌ی آسیب‌های اجتماعی در بین ۲۵۰۰ نفر از دانشجویان دختر خوابگاهی در ۲۲ دانشگاه دولتی کشور دریافتند که شایع‌ترین مواد دخانی مصرفی در بین دانشجویان، ابتدا قلیان و سپس سیگار، مشروبات الکلی، مواد مخدر و پیپ است. از دیگر مطالعات داخلی که به موضوع تحقیق حاضر پرداخت، مطالعه‌ی تهرانی و همکاران (۲۰۲۲) در زمینه‌ی دلایل مصرف سیگار در نوجوانان دختر بر اساس دیدگاه ۲۰ نفر از دختران نوجوان سیگاری شهر مشهد می‌باشد. یکی از مقولاتی که آن‌ها در تحلیل داده‌ها دست یافتند، جهتگیری جنسیتی بود که ذیل آن، مشارکت‌کنندگان بیان کردند دلایلی مانند کشف هویت زنانه، محدودیت زنان/دختران در جامعه، به چالش کشیدن این موارد و اعتقاد به برابری جنسیتی، همگی از دلایل گرایش زنان مورد مطالعه به سیگار هستند.

ویرینگ، ویرینگ و کلی^۱ (۲۰۰۸) در مطالعه‌ی خود نشان دادند که مصرف سیگار و اوقات فراغت کارکرد مشابهی دارند؛ به طوری که مصرف سیگار، حتی به‌عنوان جایگزین و بدیلی برای اوقات فراغت، به شکل‌گیری هویت و به‌ویژه هویت جنسیتی زنان کمک می‌کند. مصرف سیگار هم حوزه‌ای برای انقیاد و سلطه‌ی زنان و هم حوزه‌ای برای مقاومت در برابر ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌های مسلط است. بنابراین، زنان در اواخر نوجوانی، به دلیل کمبود فرصت در تجارب اوقات فراغت، برای جست‌وجوی هویت از راه‌های دیگر کمک می‌گیرند، که سیگار کشیدن چنین نقشی را به‌عنوان ابزار مقاومت ایفا می‌کند. درحالی‌که مردان دارای الگوها و فرهنگی هستند که فعالیت‌های رقابتی فردی را برای آن‌ها فراهم می‌کند و حداقل درک هویتی را برای آن‌ها به ارمغان می‌آورد، زنان فاقد چنین فرهنگی هستند و بنابراین، از فرصت شرکت در فعالیت‌های اوقات فراغت به اندازه‌ی مردان محروم می‌شوند. این مقاله استدلال می‌کند که اوقات فراغت ماجراجویانه، که چالش و رضایت جسمی، ذهنی و عاطفی را فراهم می‌کند، می‌تواند مبنای مناسبی برای مقاومت در برابر کلیشه‌های جنسیتی و جایگزینی برای مصرف دخانیات فراهم کند.

تایانگتام، کالامپاکورن، اینتارانته و سورنسن^۲ (۲۰۱۳) در مطالعه‌ی «تجارب زیسته‌ی زنان تایلند و سیگار کشیدن: یک مطالعه‌ی پدیدارشناختی» که در بین ۲۵ نفر از زنان سیگاری در نواحی حاشیه‌ای و پیرامونی شهر بانکوک انجام دادند، چندین مقوله احصا کردند که یکی از مقولات مرتبط با تحقیق حاضر، زنانگی و سیگار کشیدن بود. طبق این مقوله، همه‌ی زنان بر این متفق بودند که سیگار کشیدن فقط برای مردان نیست، بلکه زنان نیز می‌توانند این کار را انجام دهند. وقتی از آن‌ها پرسیده

1. Wearing, Wearing & Kelly

2. Thiangtham, Kalampakorn, Intharanate & Sornsin

شد چه احساسی دارند که توسط جامعه به عنوان زنان سیگاری دیده می‌شوند، همه فکر کردند که این حق آن‌ها است و هیچ کار غیرقانونی انجام نداده‌اند. اگرچه سیگار کشیدن به عنوان یک امر مردانه پذیرفته شده است، اما در جامعه‌ی امروز تایلمند، سیگار کشیدن زنان بیش از گذشته پذیرفته شده است و زنان در محیط‌های مختلف خانواده، اجتماع و... سیگار کشیدن دیگران را می‌بینند و بنابراین سیگار کشیدن در بین زنان نیز به عنوان یک رفتار عادی تلقی می‌شود. با وجود این، وقتی آن‌ها در اجتماعات شخصی خود سیگار می‌کشیدند، بیشتر از زمانی که در مکان‌های عمومی خارج از اجتماع مانند فروشگاه‌ها، مراکز خرید و ایستگاه‌های اتوبوس سیگار مصرف می‌کردند، پذیرفته می‌شدند. در مورد این مکان‌های عمومی، مردم به آن‌ها خیره می‌شوند و این باعث ناراحتی‌شان می‌شود. آن‌ها همچنین احساس می‌کردند که زنان سیگاری معمولاً توسط مردان راحت‌تر و مثل مردان درک می‌شوند.

هرتل و مرمل اشتاین^۱ (۲۰۱۶) در مطالعه‌ی «توسعه‌ی هویت سیگاری در میان نوجوانان سیگاری»، که با ارزیابی‌های ۶، ۱۵ و ۲۴ ماهه در یک مطالعه‌ی طولی در مورد الگوی سیگار کشیدن انجام دادند، دریافتند که نوجوانانی که سیگار می‌کشند، اگر باور داشته باشند که سیگار کشیدن یک کنش خودتعریفی است و با این کار خود را تعریف می‌کنند، احتمال بیشتری دارد که دفعات سیگار کشیدن خود را افزایش دهند. همچنین، انگیزه‌های مقابله‌ای و نیز برآزش اجتماعی (در کنار مقابله با تأثیرات منفی و افزایش عاطفه‌ی مثبت)، در شکل‌گیری هویت سیگاری اجتماعی در بین زنان نقش دارند.

وینا، هریانی و ایستیان^۲ (۲۰۲۰) در مطالعه‌ی خود با عنوان «هویت شخصی در زنان سیگاری: یک مطالعه‌ی پدیدارشناختی در زنان جوان بزرگسال»، به درک فرایند شکل‌گیری هویت در زنان سیگاری پرداختند و سعی کردند دلایل مصرف سیگار توسط آن‌ها را توصیف کنند و ببینند سوزده چگونه خود را در زندگی با طبیعت خود به عنوان یک زن می‌بیند. زنان مورد مطالعه شامل ۳ نفر با ویژگی‌های زنان بالغ جوان (۲۰-۳۰ ساله) و سیگاری فعال حداقل به مدت ۳ سال بودند. بر اساس نتایج مطالعه، فرایند شکل‌گیری هویت زنان از ابتدای ورود به دوران کودکی آغاز شد، جایی که فرزندپروری تأثیر بسیار زیادی داشت. در دوران نوجوانی، عوامل فردی و محیطی تأثیر به‌سزایی دارند و در دوران بزرگسالی، عوامل شخصی بیشترین نقش را در تصمیم‌گیری‌ها دارند. تفاوت‌هایی در دستیابی به وضعیت هویتی توسط این زنان وجود دارد؛ به طوری که دو نفر از این زنان در بزرگسالی به مرحله‌ی دستیابی به هویت رسیدند و نفر سوم هنوز در حال تکمیل مرحله‌ی توقف هویت در بزرگسالی بود.

1. Hertel & Mermelstein

2. Vienna, Hariani & Istiani



پول و همکاران^۱ (۲۰۲۲) در مطالعه‌ی خود با عنوان «مصرف دخانیات، هویت‌های سیگار کشیدن و مسیرهای ورود و خروج از سیگار در میان جوانان: یک فراقوم‌نگاری»، که بر روی ۳۰ مقاله در ۸ پایگاه داده انجام دادند، یکی از دلایل مصرف سیگار در بین جوانان ۱۶ تا ۲۵ سال مورد مطالعه را تحول هویت عنوان کرده و دریافته‌اند که استعمال دخانیات یک عمل مقاومت و مکانیسم مقابله‌ای برای افرادی با هویت‌های حاشیه‌ای و داغ ننگ تلقی می‌شود.

جمع‌بندی پیشینه‌ی مطالعاتی مصرف سیگار در بین دانشجویان دختر، دلالت بر چندین نکته دارد: مزیت اول که وجه تمایز اصلی مطالعه‌ی حاضر نسبت به مطالعات قبلی است، استفاده از روش‌شناسی کیفی و روش پدیدارشناسی به‌منظور مطالعه‌ی تجارب زیسته‌ی دانشجویان دختر از مصرف سیگار از یک سو (که در مطالعات قبلی یا پرداخته نشده یا بسیار کم‌رنگ است) و شرایط متنی و ساختاری شکل‌گیری این تجربه است که با فقدان یا ضعف مطالعات قبلی (غالباً کمی) با این رویکرد مواجه‌ایم. دومین مزیت این‌که بیشتر مطالعات قبلی به مطالعه‌ی انگیزه‌ها و علل مصرف سیگار در بین گروه‌های اجتماعی مختلف اعم از نوجوانان، جوانان و دانشجویان (به‌طور کل) پرداخته‌اند و با مطالعات کمتری مواجه‌ایم که مصرف سیگار را در بین دانشجویان دختر بررسی کرده باشند. ناگفته نماند گرچه برخی از مطالعات قبلی به کلیت گروه‌های اجتماعی فارغ از دختران و زنان پرداخته‌اند، اما مفهوم‌سازی‌ها و بخشی از تحلیل‌های آن‌ها به درک و تفسیر بهتر داده‌ها در این تحقیق کمک کرده‌اند.

۴. روش

با عنایت به این‌که هدف اصلی این تحقیق مطالعه‌ی تجربه‌ی زیسته دانشجویان دختر از مصرف سیگار و شرایط متنی و ساختاری این تجربه بود، بنابراین روش‌شناسی این تحقیق کیفی و روش آن پدیدارشناسی توصیفی بود. مشارکت‌کنندگان در این تحقیق دانشجویان دختر دانشگاه خوارزمی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در کلیه‌ی رشته‌های تحصیلی در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بودند که با ۱۳ نفر از آن‌ها مصاحبه‌ی عمیق نیمه‌ساختاریافته با معیار اشباع نظری برای رسیدن به حجم نمونه شد. در آغاز مصاحبه‌ها، پژوهشگر با معرفی خود و توضیح مختصری از پژوهش و سوالات مصاحبه، سعی بر جلب اعتماد و رضایت مشارکت‌کنندگان کرد. سپس از آن‌ها خواسته شد تا به سوالات پاسخ دهند. هرچند حساسیت موضوع در دانشگاه و خوابگاه، ضبط مکالمه‌ها و دلایل دیگر، موجب عدم همکاری برخی از دانشجویان شد، لکن محقق سعی کرد از طریق برقراری رابطه‌ی

صمیمانه با آن‌ها و درعین حال تأکید بسیار بر حفظ گمنامی در یافته‌ها و ارائه‌ی گزارش، همکاری و مشارکت آنان را جلب نماید. سئوالات مصاحبه به صورت نیمه ساختاریافته و حول محورهای تصور از سیگار، فرایند تجربه‌ی مصرف سیگار، تجربه و احساس نسبت به مصرف سیگار، دلایل و زمینه‌های مصرف سیگار، و مصرف سیگار در فضای دانشگاه و خوابگاه و خانواده تنظیم شده بود. مدت زمان هر مصاحبه بین ۳۰ تا ۴۵ دقیقه بود که با هماهنگی قبلی با فرد مصاحبه‌شونده انجام شد.

ترکیب مشارکت‌کنندگان بدین شکل بود که دانشجویان از نظر سنی در دامنه‌ی ۱۸ تا ۲۹ سال بودند. ۸ نفر از آنان خوابگاهی و ۵ نفر غیر خوابگاهی بودند. سن آغاز مصرف سیگار در دامنه‌ی ۱۴ تا ۲۸ سال بود ($M=18.54$, $SD=4.05$). زمان آغاز مصرف سیگار در بین ۷ نفر از آن‌ها به زمان قبل از ورود به دانشگاه و در بین ۶ نفر به بعد از ورود به دانشگاه برمی‌گشت ($M=22$, $SD=3.39$). روش انتخاب مشارکت‌کنندگان نمونه‌گیری هدفمند با ترکیبی از استراتژی‌های گلوله‌برفی و دردسترس بود و برای تحلیل داده‌ها از استراتژی پیشنهادی کولایزی^۱ استفاده شد. استراتژی پیشنهادی کولایزی شامل ۷ مرحله و مبتنی بر پدیدارشناسی توصیفی است که طی آن، هر مرحله که جلوتر می‌رویم، به داده‌ها و ذات تجربه‌ی مشارکت‌کنندگان بر اساس این داده‌ها نزدیک‌تر می‌شویم. نتیجه‌ی نهایی این روش توصیف جامع پدیده‌ی مورد مطالعه و اعتباریابی آن توسط مشارکت‌کنندگانی است که منجر به این توصیف شدند. مراحل پیشنهادی کولایزی به این شرح‌اند: ۱. آشنا شدن با داده‌ها (خوانش چندباره‌ی دست‌نوشته‌ها)؛ ۲. شناسایی اظهارات و عبارات مهم؛ ۳. فرمول‌بندی معانی؛ ۴. تولید مقولات، خوشه‌های تم و تم؛ ۵. توصیف جامع پدیده؛ ۶. توصیف ساختار بنیادی؛ و ۷. اعتباریابی توصیف جامع و ساختار بنیادی آن.

برای ارزیابی کیفیت تحقیق از سه معیار استفاده شد: اول) معیار اعتمادپذیری^۲، به‌ویژه معیار باورپذیری^۳ مورد نظر لینکلن و گوبا^۴ (۱۹۸۵)، که برای تأمین این باورپذیری، از استراتژی‌های حفظ و گسترش ارتباط با شرکت‌کنندگان، دقت در اجرای فنون کار میدانی و شایستگی حرفه‌ای محقق استفاده شد. دوم) معیار انتقال‌پذیری^۵ که زیرمجموعه‌ی معیار اعتمادپذیری مورد نظر لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) است و برای تأمین آن از استراتژی توصیف ضخیم مبنی بر توصیف مناسب و عمیق یافته‌ها با همه‌ی جزئیات مرتبط با فرایند تحقیق استفاده شد. سوم) معیار زاویه‌بندی/چندبُعدی کردن^۶ مورد نظر

1. Colaizzi
2. trustworthiness
3. credibility
4. Lincoln & Guba
5. transferability
6. triangulation

دنزین (۱۹۸۹)، که برای تأمین آن استراتژی زاویه‌بندی پژوهشگر (استفاده از چندین پژوهشگر در تحلیل داده‌ها) و تکنیک ممیزی^۱ (نظارت چند نفر از متخصصان موضوعی و روشی بر مراحل کدگذاری، مقوله‌بندی و تم‌بندی) به کار گرفته شدند. همچنین، از آن‌جا که در این تحقیق از استراتژی پیشنهادی هفت مرحله‌ای کولایزی برای تحلیل داده‌ها استفاده شد، مرحله‌ی هفتم و آخر این تحلیل اعتباریابی توصیف جامع و ساختار بنیادی پدیده نام دارد که طبق آن، اعتبار یافته‌ها باید از سوی مشارکت‌کنندگان و مقایسه‌ی یافته‌های توصیفی محقق با تجربیات این مشارکت‌کنندگان ارزیابی شود. به این منظور، در این تحقیق، در این مرحله، محققان با استفاده از تکنیک بازبینی اعضا^۲، یافته‌ها را به بخشی از مشارکت‌کنندگان بازخورد دادند و در مورد آن با ایشان بحث کردند. بنابراین، سعی شد تا بازخورد رضایت و خرسندی مشارکت‌کنندگان از این‌که یافته‌ها و گزارش، احساسات و تجربیات آن‌ها را بازتاب می‌دهد، اعتبار تحقیق به این طریق نیز تأمین شود.

۵. یافته‌ها

در تحلیل داده‌ها و نمایش یافته‌ها بر اساس رویکرد هفت مرحله‌ای کولایزی، ابتدا متن مصاحبه‌ها چندین بار خوانش شدند و سپس اظهارات مهم از داخل متون برای فهم عمیق‌تر آن‌ها استخراج شدند. با مقوله‌بندی اظهارات مهم و معانی، مقولات و سپس خوشه‌های تم شکل گرفتند و در ادامه، این خوشه‌های تم در ۵ تم نوظهور شامل آرام‌بخشی سیگار، مصرف و تمایز، برچسب‌زنی، مصرف به‌مثابه‌ی هنجار و مشروعیت‌زدایی از جامعه‌ی جنسیتی برچسب‌گذاری و ادغام شدند. در نهایت نیز، ذات فراگیر تجربه‌ی زیسته‌ی دانشجویان دختر از مصرف سیگار به‌صورت «بازسازی هویت جنسیتی» صورت‌بندی و تعریف شد (جدول ۱).

جدول ۱. نظام کدگذاری تجربه‌ی زیسته‌ی دانشجویان دختر از مصرف سیگار

تم‌های نوظهور	خوشه‌های تم	مقولات	نمونه‌هایی از معانی فرمول‌بندی شده	نمونه‌هایی از اظهارات مهم
آرام‌بخشی سیگار	احساس راحتی و آرامش	- راحتی - آرامش	حس خوب و آرام‌بخشی است.	خیلی حس خوبه، احساس آرامش می‌کنم.
	انگواگری سیگار	- وسوسه‌ی سیگار - فکر سیگار - دکه‌ی سیگار	یک دکه‌ای که باید از آن سیگار بخرم.	دکه، یه دکه می‌آد تو ذهنم که برم سریع یه سیگار بگیرم و بکشم همین.

1. audit check
2. member check



نمونه‌هایی از اظهارات مهم	نمونه‌هایی از معانی فرمول‌بندی شده	مقولات	خوشه‌های تم	تم‌های نوظهور
من انگیزی خاصی نداشتم، بیشتر به خاطر این که با بقیه متفاوت باشیم.	سیگار کشیدن باعث می‌شود از دیگران متفاوت باشم.	- سیگار کشیدن برای دیده شدن - سیگار کشیدن برای متفاوت بودن	سیگار کشیدن برای دیده شدن	مصرف و تمایز
دخترها و پسرا سیگار رو به‌عنوان عاملی می‌دونن که باعث می‌شه جامعه قبولشون کنه و افراد دوروبر بهشون اهمیت بدن.	سیگار کشیدن باعث می‌شود جامعه مرا قبول کند و بپذیرد.	سیگار کشیدن برای پذیرش اجتماعی	مصرف برای پذیرش اجتماعی	مصرف و تمایز
بقیه یه جور یه من نگاه می‌کنن که انگار هیولا هستم، یه جور دیگه بهم نگاه می‌کنن، برچسب سیگاری بهم می‌زنن.	دیگران به من برچسب سیگاری می‌زنند.	- نگاه منفی دیگران و جامعه - سیگار کشیدن به‌عنوان کار خلاف	برچسب‌زنی	برچسب‌زنی
جامعه باید افراد سیگاری رو قبول کنه، این آدما شاید به‌خاطر یه مشکل رفتن سمتش.	جامعه باید افراد سیگاری را بپذیرد.	- سیگار برای همه - سیگار غیرطبقاتی	آزاد بودن در انتخاب سیگار	مصرف به‌مثابه‌ی هنجار
سیگار یه چیز عادی واقعاً، من بیشتر زمان شروع سیگار کشیدنم می‌آد تو ذهنم.	کشیدن سیگار یک چیز عادی است.	تلقی عدم اعتیاد از سیگار عادی بودن سیگار	عادی بودن سیگار	مصرف به‌مثابه‌ی هنجار
چون ما دختریم محدودیت داریم نسبت به سیگار کشیدن. وقتی سیگار می‌کشیدم با یه حالت خاصی، حالتشم برام جالب بود، احساس آزادی می‌کردم.	ما دختران برای سیگار کشیدن محدودیت داریم.	محدودیت دختران در مصرف سیگار	تبعیض جنسیتی	مشروعیت‌زدایی از جامعه‌ی جنسیتی
سیگار کشیدن یه کار پسرونه است.	سیگار کشیدن امری پسرونه است.	سیگار امری مردانه	نگاه جنسیتی به سیگار	مشروعیت‌زدایی از جامعه‌ی جنسیتی

۵-۱. آرام‌بخشی سیگار

تصور دانشجویان از سیگار و کارکردهایش نقش مهمی در نوع مواجهه‌ی آنان با این ماده‌ی دخانی دارد. بر اساس نتایج مطالعه‌ی حاضر، تقریباً دانشجویان درک مشابهی در مورد کارکرد آرام‌بخشی سیگار داشته و سیگار را تسکین‌دهنده و آرام‌بخش می‌دانستند. البته، این احساس آرامش در بخشی از دانشجویان موقت بوده و بعد از مدتی، سیگار کشیدن دیگر کارکرد آرام‌بخشی نداشته و نمی‌تواند آن‌ها را در مدیریت مشکلات تسکین دهد.

«خیلی حس خوبیه، احساس آرامش می‌کنم» (کارشناسی ارشد، مشاوره‌ی خانواده).

«خود سیگار می‌آد تو ذهنم، یهو انگار کل بدنت آروم می‌شه» (کارشناسی، ریاضی).

«هم به جنبه‌ی مثبتش می‌آد تو ذهنم که آرامش می‌ده، موقعی که استرس خیلی زیاد دارم یا اضطراب دارم یا از چیزی ناراحتم، معمولاً سیگار می‌تونه آروم‌کنه، یا جنبه‌ی منفی‌اش که بوی بدش هست که استاد سر کلاس ممکنه بفهمن، یا طعم بدش که صبح از خواب بیدار می‌شی و من دوس ندارم بوی سیگار بده» (کارشناسی، شیمی).

«اعصابم سر چیزی خرد می‌شه سیگار می‌کشم و آروم‌م می‌کنه و واقعاً مسکن خوبیه واسه سردرد. من از بوی سیگار بدم می‌آد، فقط به خاطر نیکوتینش می‌کشم و چون آواز کار می‌کنم، بعدش عذاب وجدان می‌گیرم چرا کشیدم، چون رو صدام تأثیر داره. بعضی وقتا از سیگار کشیدن خسته می‌شم و دور می‌ندازم، چون احساس می‌کنم مزه‌ی دهنمو بد می‌کنه و گلومو می‌سوزونه. احساس بد هم نسبت بهش دارم، ولی دوسش هم دارم» (کارشناسی، روان‌شناسی).

آرامشی که دانشجویان از مصرف سیگار کسب می‌کنند، از نظر آنان، منجر به اعتمادبه‌نفسی می‌شود که در شرایط امروز جامعه‌ی جنسیتی ایران، بدون ابزارهایی مانند سیگار قابل‌استحصال نیست. این‌جا است که بخشی از دانشجویان کارکرد مهم مصرف سیگار را کسب اعتمادبه‌نفس و در نتیجه انجام بهتر امور می‌دانند.

«من دیدم دختره رفته بیرون با دوستاش سیگار می‌کشه و استوری گذاشته که سیگار هم دستشه و به این افتخار می‌کنه، چون اعتمادبه‌نفس بهش می‌ده، رفته‌رفته مصرف سیگار بیشتر می‌شه و دوستایی که اطرافش هستن هم بیشتر می‌شه، سیگار به من اعتمادبه‌نفس می‌ده» (کارشناسی ارشد، مشاوره‌ی خانواده).

این کارکرد آرام‌بخشی سیگار گاه به حد اغواگری نیز می‌رسید و دانشجویان با دیدن هر چیزی جذابی سیگار می‌کشیدند تا لذت بیشتری از آن ببرند. گاهی بخشی از دانشجویان مورد مطالعه حتی با دیدن یک فیلم هم وسوسه می‌شدند که سیگار بکشند و می‌گفتند که نمی‌توانند سیگار کشیدن خود را کنترل کنند. بعضی از دانشجویان دختر بیان کردند که اغواگری سیگار گاه به حدی است که حتی با شنیدن کلمه‌ی سیگار دوست دارند سیگار مصرف کنند.



«بستگی به شرایطش داره. مثلاً آگه هوا بارونی باشه و منم از نظر روانی تحت فشار باشم، اعصابم داغون باشه، اون موقع وقتی کلمه‌ی سیگار رو می‌شنوم، دلم می‌خواد بکشم»
(کارشناسی ارشد، جامعه‌شناسی)

۵-۲. مصرف و تمایز

تمایز عبارت از فهم دیگری در بین بخشی از دانشجویان در مورد مصرف سیگار بوده است. گاهی دانشجویان به خاطر تمایز و پذیرش اجتماعی و به خاطر این که در جمع دوستان مورد توجه قرار گیرند و به عبارتی رؤیت پذیر شوند، دست به مصرف سیگار می‌زنند. بورديو در کتاب تمایز: نقد اجتماعی قضاوت ذوقی (۱۹۸۴) تمایز را یک نیروی اجتماعی می‌داند که به موجب آن افراد از راهبردهای مختلفی — آگاهانه یا ناآگاهانه — برای متمایز ساختن و فاصله گرفتن از دیگران در جامعه استفاده می‌کنند و برای خود ارزش بیشتری در این فرایند قائل می‌شوند. تمایز مجموعه تفاوت‌هایی است که در رفتارها و سبک‌های زندگی افراد جامعه، به دلیل جایگاه‌های متفاوتشان از لحاظ سرمایه و قرار گرفتنشان در میدان‌های اجتماعی مختلف، میان آن‌ها وجود دارد. از نظر بورديو، افراد بر اساس موقعیت اجتماعی شان اعمال سلیقه می‌کنند و هر طبقه سعی می‌کند خود را از سایر طبقات متمایز کند (فکوهی، ۱۳۸۴: ۱۴۶).

دانشجویان سیگار کشیدن را به عنوان ابزاری برای دیده شدن و پذیرش اجتماعی مصرف می‌کنند و به این طریق سعی می‌کنند سبک زندگی خود را، که احتمالاً به دلیل سرمایه‌ی متفاوت در میدان‌های اجتماعی، متفاوت از دیگران است، در معرض دیگران قرار دهند و از آن‌ها متمایز شوند. بنابراین، به زعم آنان، مصرف سیگار به آن‌ها در متمایز شدن از دیگران کمک می‌کند. البته، احتمالاً شناخت و فهم دقیق‌تر این افراد با این انگیزه از مصرف سیگار، نیازمند مطالعات بیشتر کمی و کیفی با روش‌های تحقیق دیگر است. این انگیزه‌ی تمایز و پذیرش اجتماعی در راستای بازسازی هویتی است که دانشجویان برای نیل به این هدف، از مصرف سیگار کمک می‌گیرند.

«به نظر من، خیلی از دخترا و پسرا سیگار رو به عنوان عاملی می‌دونن که باعث می‌شه جامعه قبولشون کنه و افراد دوروبر بهشون اهمیت بدن، سیگار می‌کشن، می‌خوان توی اون جمع‌ها پذیرفته بشن، من همچین احساسی دارم» (کارشناسی، فلسفه).

«من انگیزه‌ی خاص نداشتم، فقط می‌خواستم تجربش کنم. با یکی از دوستای دوم دبیرستانم که دوست داشتیم همه‌ی کارا رو با هم انجام بدیم، شیطونی می‌کردیم، بیشتر به خاطر این که با بقیه متفاوت باشیم، خود سیگار حس خاصی نمی‌داد بهمون، بیشتر به خاطر این که از این جو بقیه دور بشیم. اوایل دوست نداشتم کسی بدونن که چی چیز شخصیه و به کسی ربط نداره. برای خودم پذیرفته شده بود، الان کسی هم بدونن برام مهم نیست» (کارشناسی، ادبیات فارسی).



هوارد بکر (1973)، که از نقطه‌نظر تضادی به مسئله‌ی انحراف نگاه می‌کند، معتقد است بعضی از انسان‌های مقتدر می‌توانند به‌راحتی «انگ» انحراف را به دیگران بزنند. از این دیدگاه، فی‌نفسه چیزی به نام انحراف وجود ندارد، زیرا هر کس از دیدگاه کسانی دیگر منحرف محسوب می‌شود و منحرف کسی است که دیگران این برچسب را به او زده‌اند. بنابراین، انحراف برچسبی^۱ است که بعضی مردم بر رفتاری که مورد تأییدشان نیست می‌زنند. انحراف، در واقع، صفت تعریفی است که از نوعی رفتار می‌شود نه صفت خود آن رفتار. رفتار تنها به این دلیل انحراف محسوب می‌شود که «منع قانونی» دارد و عقیده ندارند که «رفتاری خاص» تنها به‌دلیل انحرافی بودن آن ممنوع شده است. از نظر بکر، برچسب‌زنی به زمان انجام عمل و عواقب آن نیز بستگی دارد (صدیق سروستانی، ۱۳۸۲).

بنابراین، عمل سیگار کشیدن در محیط آموزشی مثل دانشگاه و خوابگاه، که دارای قوانین و مقررات خاص می‌باشد، بسیار انحرافی‌تر از زمانی دیده می‌شود که فرد در جایی مثل پارک یا خیابان سیگار مصرف می‌کند و امکان این‌که دانشجویان در دانشگاه و خوابگاه برچسب سیگاری بخورند، بیشتر از هر مکان دیگری است. برخی از مصاحبه‌های انجام‌شده با دانشجویان دختری که تحت تأثیر این موضوع بودند، به شرح زیر است:

«بقیه یه‌جوری به من نگاه می‌کنن که انگار هیولا هستم، یه‌جور دیگه بهم نگاه می‌کنن، برچسب سیگاری بهم می‌زنن» (کارشناسی، تربیت بدنی).

«کل دانشگاه نگاه عجیبی به پشت بوفه‌ی صورتی دارن (یکی از مکان‌هایی در دانشگاه است که دانشجویان در آن‌جا سیگار مصرف می‌کنند)، فکر می‌کنن ما این‌جا نشستیم داریم چیکار می‌کنیم، خیلی ناراحت می‌شم برای ما اسم می‌ذارن و برچسب می‌زنن، بچه‌های پشت صورتی این‌طورن، بچه‌های پشت صورتی اون‌طورن... دخترای پشت صورتی فلان و بهمانن، درحالی‌که این‌جا اتفاق قبیحی نمی‌افته» (کارشناسی، ادبیات فارسی).

بنابراین، برچسب «سیگاری» خوردن به دانشجویان دختری که سیگار می‌کشند، سبب شکل‌گیری هویت سیگاری در آنان و به تعبیر بکر انحراف اولیه شده و در ادامه نیز همین دختران با تصاحب چنین برچسبی، دچار انحراف ثانویه شده و نه‌تنها سیگار کشیدن را ادامه می‌دهند، بلکه حتی آن را به‌عنوان یک کنش انحرافی می‌پذیرند. دامنه‌ی برچسب‌زنی در مورد دانشجویان دختر سیگاری، گاهی به مسئولین حراست و نگهبانی دانشگاه نیز تسری یافته و این مسئولین بر اساس سیگار کشیدن دانشجو، در مورد خانواده‌ی وی نیز قضاوت کرده و آن‌ها را به انحراف برچسب می‌زنند.



«من توی برخورد حراست می‌گم، به جایی برای سیگار کشیدن مشخص کنه که نه سنگینی نگاه کسی باشه و هم ما راحت باشیم و هم دیگران راحت باشن. به شخص توهین نکنن که تو چون سیگار می‌کشی، خانوادت فلا و بهمانه» (کارشناسی، ادبیات فارسی).

۴-۵. مصرف به‌متابه‌ی هنجار

در حال حاضر، سیگار کشیدن در جامعه به‌مرور به امری عادی و به‌هنجار بدل شده و سیگار کشیدن جوانان و حتی نوجوانان در اماکنی مانند پارک‌ها، کافی‌شاپ‌ها، خیابان‌ها و... معمول شده است. با وجود این، اگرچه نگاه جامعه به این پدیده هنوز به‌گونه‌ای است که یک دختر نمی‌تواند آزادانه و مانند یک پسر سیگار را در هر زمان و مکان روشن کند، اما نگاه منفی به این پدیده به‌سرعت در حال کاهش است و نمونه‌هایی از دختران مصرف‌کننده‌ی سیگار در سطح فضاهای عمومی رو به افزایش است. مصرف سیگار روند روبه‌رشدی دارد و در حال تبدیل شدن به یک امر عادی و به‌هنجار است. دانشگاه و خوابگاه نیز یکی از مکان‌هایی است که با وجود مقررات خاص خود، دانشجویان به‌راحتی در آن‌جا سیگار مصرف می‌کنند. در مصاحبه با دانشجویان مشخص شد بخشی از دانشجویان سیگار را به‌عنوان یک هنجار و امری عادی، حتی شبیه دیگر کارهای روزمره مانند چای خوردن، می‌دانند و سیگار کشیدن بخشی از منوی فعالیت‌ها در زندگی روزمره‌ی آن‌ها شده است.

«چیز خاصی شکل نمی‌گیره، سیگار به چیز عادیه واقعاً، من بیشتر زمان شروع سیگار کشیدنم می‌آد تو ذهنم» (کارشناسی، روانشناسی).

«به چیز عادیه برام، مثل چای خوردن، حس خاصی ندارم» (کارشناسی، فلسفه).

بخشی از دانشجویان نیز بر این باور بودند که جامعه بایستی افراد سیگاری را در خود ادغام و آن‌ها را مثل شهروندان دیگر بپذیرد، نه این‌که برچسبی به آن‌ها زده و در طبقه‌ی دیگری جای دهد.

«من فکر می‌کنم اگه این‌قدر از سیگار تعریف بد نشه، ذهن ناخودآگاهه نمی‌ره طرفش که تجربه کنه، جامعه باید افراد سیگاری رو قبول کنه، این آدم‌ها شاید به‌خاطر یه مشکل رفتن سمتش» (کارشناسی، جغرافیا).

بخشی از این تلقی هنجارگونه از مصرف سیگار، به بافتی برمی‌گردد که دانشجویان در آن متولد شده و پرورش یافته‌اند. بخشی از دانشجویان در خانواده‌هایی به دنیا آمده‌اند که یکی از اعضای خانواده، به‌ویژه پدر، مصرف‌کننده‌ی سیگار بوده و همین امر موجب شده تا دانشجویان نیز مصرف آن را عادی و به‌هنجار و بخشی از ضروریات زندگی تلقی کنند.

«من بابام سیگار می‌کشید، برای همین سیگار کشیدن برام چیز عادی بود» (کارشناسی، تربیت بدنی).



بخشی از این تلقی عادی و به‌هنگار از مصرف سیگار توسط دانشجویان، به‌ویژه از سوی دانشجویان خوابگاهی است که به‌دلیل سکونت در خوابگاه و هم‌نشینی با دانشجویان خوابگاهی دیگر، اساساً مصرف سیگار را ابتدا به‌صورت تقننی شروع می‌کنند و پس از مدتی، به بخشی از فعالیت روزمره‌ی آن‌ها و در نتیجه یک امری عادی تبدیل می‌شود.

اولین بار ترم پنج کارشناسی بودم و دوستانم نشسته بودن و سیگار می‌کشیدن. من هم به نخ برداشتم همین‌جوری نشستم باهاشون سیگار کشیدم و خیلی عادی بود و می‌دونستم معتاد نمی‌شم، تقننی شروع کردم کشیدم، رفیقای من باورشون نمی‌شد من سیگار می‌کشم، به نخ که برداشتم، گفتم بزار بکشم، دوستانم هم گفتن این به بار بکش، می‌خواستم به بار تجربش کنم، برام جالب بود، من تو جمع دوستایی بودم که سیگار می‌کشیدن و من هم نمی‌کشیدم تا اون بار که خواستم امتحان کنم و خیلی هم بد بود و حالم بد شد و حس بدی بود» (کارشناسی ارشد، تکنولوژی آموزشی).

۵-۵. مشروعیت‌زدایی از جامعه‌ی جنسیتی

گذار جوامع از وضعیت سنتی به مدرن مستلزم تحولاتی در ساختارهای کهن است و عقاید و نگرش‌های متفاوتی را نسبت به گذشته ایجاد کرده و به بازتعریف هویت انسانی و اجتماعی زنان و مردان منتهی می‌شود. از پیامدهای این مسئله پرسش‌برانگیز شدن ساختارها و ارزش‌هایی است که تبعیض و نابرابری جنسیتی بین زنان و مردان را بدیهی می‌شمارد. نابرابری‌هایی که روزگاری ذاتی و طبیعی تلقی می‌شدند، پایگاه خود را در ذهن و فکر زنان از دست داده و مشروعیت آن‌ها، حتی در دورافتاده‌ترین نقاط، در حال فروریختن است (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۷۷-۱۷۶، به نقل از: هومین‌فر، ۱۳۸۲).

به‌زعم برخی دانشجویان دختر، جامعه به مصرف سیگار توسط دختران نگاه جنسیتی دارد؛ گویی پسران مجاز به مصرف سیگارند (سیگار نمودی از مردانگی است)، ولی این کار برای دختران زشت و قبیح است و لذا مصرف آن از سوی دختران با برچسب‌های منفی دیگر همراه است. دانشجویان دختر مورد مطالعه، با اتخاذ رویکرد مردانگی‌زدودگی از سیگار، آن را مختص مردان نمی‌دانند و با مصرف سیگار سعی دارند بگویند فرقی بین آن‌ها با مردان نیست. از طرفی، در جامعه‌ی ما، برای دختران محدودیت‌هایی وجود دارد که آن‌ها را از انجام برخی کارها منع می‌کند و این حس را در دختران ایجاد می‌کند که نمی‌توانند در مورد اعمال خود آزادانه تصمیم بگیرند. از این‌رو، مصرف سیگار برای برخی دختران همراه با حس آزادی بوده است و آن‌ها با مصرف سیگار سعی در افزایش اعتمادبه‌نفس و اعاده‌ی حقوق تصنیع‌شده‌ی خود در جامعه‌ی مردسالار دارند.

«خیلی حس خوبیه، احساس آرامش می‌کنم، ولی فقط برای من حس آرامش نبود، احساس آزادی می‌کردم، چون ما دختریم، محدودیت داریم نسبت به سیگار کشیدن، سیگار کشیدن به

کار پرسونس، وقتی سیگار می کشیدم، با یہ حالت خاصی، حالتشم برام جالب بود، احساس آزادی می کردم، این که من راحتم و من اینو انتخاب کردم و دارم این کار رو انجام می دم، حس آزادی بهم می داد از این که از بند محدودیتی که منو توش انداختن اومدم بیرون، اعتمادبه نفسم بیشتر شده بود، من اردبیلی هستم، اون جا خیلی محدودیت وجود داره برام، اصلاً به سیگار کشیدن هم فکر نمی کردم، دختر تو سن من آگه سیگار می کشید، فکر می کردم داره ادای روشنفکرا رو درمی آره، می خواد خودی نشون بده، می خواد بگه من متفاوت هستم، راجع به دیگران همچین تصویری داشتم، الان نسبت به بعضیاشون همون تصور دارم، ولی بعضیا هم هستن که تو این شرایط فقط سیگار آرومشون می کنه و واقعاً هم آروم می کنه... اگر بخوام از احساسم از مصرف سیگار اسم ببرم، باید بگم بی خیالی، اعتمادبه نفس، آزادی، یہ حسی شبیه شناوربودن رو آب» (کارشناسی ارشد، مشاوره خانواده).

بنابراین، تبعیض جنسیتی که جامعه برای دختران قائل است و محدودیت هایی که به اشکال گوناگون برای آنان ایجاد می کند، سبب نارضایتی دختران شده و آن ها سعی دارند به شکلی خاص به این موضوع اعتراض کنند و سیگار کشیدن شکلی از این اعتراض است. مطالعه‌ی بحیرایی، میرغفوری فرد، محمدی و مجدزاده (۲۰۱۶) در زمینه‌ی تجارب کشیدن سیگار در میان ۱۴ نفر از زنان تحصیل کرده‌ی ایرانی نیز حکایت از آن داشت که سرپیچی اجتماعی و نمادهای برابری جنسیتی از دلایلی هستند که در مصرف سیگار توسط زنان نقش دارند. نتیجه‌ی مشابهی در مطالعه‌ی تهرانی و همکاران (۲۰۲۲) مبنی بر کشف هویت زنانه، محدودیت زنان/دختران در جامعه، به چالش کشیدن این محدودیت و اعتقاد به برابری جنسیتی، به عنوان دلایل گرایش زنان مورد مطالعه به سیگار یافت شده است.

«اوایل خیلی از نگاه آدمای توی خیابون بدم می اومد، احساس می کردم خیلی جنسیت زده نگاه می کنن، من تو خیابون هم می کشیدم و نگاه آدمای عجیبی بود، نگاهی بود که انگار یہ پسر می تونه سیگار بکشه، ولی اگر من به عنوان یک دختر سیگار بکشم، لزوماً خرابم» (کارشناسی، ادبیات فارسی).

«شاید اکثر دخترا بخوان جذب سیگار و سیگار کشیدن بشن... این به خاطر اون محدود کردناشون و برچسب جنسیتی به این کار است که این کار رو پسرانه می دونن. اگر این برچسب جنسیتی نبود، شاید ما دخترا راحت تر با این قضیه برخورد می کردیم، اینو یہ چیز اسپرکننده برای خودشون نمی دیدن که الان بخوان این زنجیر اسارت رو پاره کنن، مخصوصاً کسانی که توی خوابگاه هستن و از خانواده دورن» (کارشناسی ارشد، مشاوره‌ی خانواده).

حتی دانشجویان با مصرف سیگار به صورت دسته جمعی و مختلط با پسران، سعی دارند این موضوع را اعلام کنند که جامعه ترکیبی از مردان و زنان است و هیچ تفاوتی بین آن ها نیست. بنابراین، جامعه‌ی ایران باید جنسیت زدایی شود و اموری مثل سیگار کشیدن مردانه تلقی نشده و تحدید به مردان نشوند و آن ها هم می توانند مثل مردان سیگار بکشند.

«ما این جا [پشت بوفه‌ی صورتی رنگ] نشستیم داریم چه کار می‌کنیم، اگر شما به تریبونی برای ماها دارین، ماها آدم‌های عادی هستیم و این جا هیچ اتفاق قبیحی نمی‌افته، ما یه سری آدم هستیم که برخلاف اونایی که این جا نشستن، آدم‌ها رو فارغ از جنسیت می‌بینیم، نگاهی که من به الهه دارم نگاهیه که به فرید دارم... درحالی‌که اتفاقی نمی‌افته، ما این جا رو انتخاب کردیم» (کارشناسی، ادبیات فارسی).

«بین دوستانم بودم که این اتفاق افتاد، دوستای دوره‌ی کارشناسیم که این جا توی کرج خونه گرفتن و من بعضی وقتا می‌رم پیش شون، دخترای خوبی هستن، فقط سیگار می‌کشن، دیدگاه عامیانه نسبت به دخترایی که سیگار می‌کشن خیلی خوب نیست (کارشناسی ارشد، مشاوره‌ی خانواده).

این یافته در مطالعه‌ی تایانگتام، کالا‌مپاکورن، اینتارانته و سورنسن (۲۰۱۳) در زمینه‌ی تجارب زیسته‌ی زنان تایلند از سیگار کشیدن نیز مشاهده شده است. در این مطالعه نیز، زنان معتقد بودند سیگار کشیدن فقط برای مردان نیست و زنان هم می‌توانند این کار را انجام دهند. این زنان سیگار کشیدن را نه یک کار غیرقانونی، بلکه به‌عنوان یک حق می‌دیدند و گرچه جامعه‌ی تایلند تا حدودی سیگار کشیدن زنان را بیش از گذشته پذیرفته است، اما همچنان جریان عمومی آن را یک امر مردانه می‌داند و در نتیجه، برای آن‌ها، کشیدن سیگار در اجتماعات خصوصی راحت‌تر از مکان‌های خصوصی است.

۵-۶. ذات تجربه‌ی مصرف سیگار: بازسازی هویت جنسیتی

پدیده‌ی محوری تحقیق که دلالت بر ذات تجربه‌ی مصرف سیگار توسط دانشجویان دانشگاه خوارزمی دارد، بازسازی هویت جنسیتی است که در این جا بر اساس مرحله‌ی پنجم از رویکرد تحلیلی کولایزی و در پی ادغام تمام مقولات، خوشه‌های معنایی و تم‌های نوظهور در مراحل قبلی، به توصیف جامع این ذات پرداخته می‌شود.

اساساً هویت با معنا مرتبط است و چون معنای خصیصه‌ی ذاتی واژه‌ها و اشیا نیست، بنابراین معنا همواره نتیجه‌ی توافق و عدم توافق است و در نتیجه امری برساخته است؛ یک بازی است که در آن «رودرو بازی می‌شود» و عبارت از شیوه‌هایی است که به‌واسطه‌ی آن‌ها، افراد و جماعت‌ها در روابط اجتماعی خود از افراد و جماعت‌های دیگر متمایز می‌شوند. هویت اجتماعی درک ما از این مطلب است که چه کسی هستیم و دیگران کیستند و از آن طرف، درک دیگران از خودشان و افراد دیگر چیست (جنکینز، ۱۳۸۱: ۷-۸). صدیق سروستانی و قادری (۱۳۸۸) در پژوهش «ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هویت دانشجویان بر مبنای مؤلفه‌های سنتی و مدرن»، حوزه‌ی هویت را عرصه‌ی مواجهه‌ی سنت و مدرنیته و این مواجهه را یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اثرگذار در هویت ایرانی در نظر گرفته‌اند. طبق این مطالعه، سنین نوجوانی و جوانی که زمان شکل‌گیری هویت فرد است، نقش مهمی

در افزایش یا کاهش شیوع مصرف سیگار در سطح جامعه دارد. بر همین اساس، نتایج مطالعه‌ی حاضر نشان داد که یکی از دلایل اصلی مصرف سیگار در بین دانشجویان، کسب هویت اجتماعی، به‌ویژه هویت جنسیتی است.

تحولات دهه‌های اخیر ناشی از گسترش نوگرایی و نوسازی، منجر به تعدد و تنوع و گاه تعارض منابع هویت‌ساز در بین اقشار زیادی، از جمله جوانان و زنان شده است. در نتیجه‌ی این امر، ساختار سنتی خانواده که عمدتاً مبتنی بر تفاوت‌های جنسیتی بود، زیر سؤال رفته است. تحصیلات زنان (در کنار اشتغال) از سویی باعث کسب ارزش‌ها و نگرش‌ها و برداشت‌های جدید و از سوی دیگر سبب دشواری در هماهنگ کردن نقش‌های سنتی با نقش‌های جدید شده و به تعارض هویت اجتماعی زنان منتهی می‌گردد. بنابراین، از آن‌جا که هویت شرط لازم زندگی اجتماعی است و ارتباط معنادار و مستمر زنان با یکدیگر و با جامعه بدون آن ممکن نیست، تنها راه حل بازتعریف و بازسازی هویت زنان توسط خود آن‌ها است. از این رو، هویت‌یابی که پیش از این تحولات و در جامعه‌ی سنتی عمدتاً منفعلانه و مبتنی بر عوامل انتسابی به‌ویژه جنسیت بود و توسط سنت و نهادهای اجتماعی، دینی و سیاسی که نظام‌های معنایی مشخصی را تولید می‌کردند شکل می‌گرفت، تحت تأثیر عرضه‌ی انبوه منابع اجتماعی و فرهنگی هویت‌آفرین، وسعت یافتن روابط اجتماعی و تعلقات گروهی و آزادی و استقلال نسبی آن‌ها در خانواده، صورتی فعالانه و غالباً آگاهانه و بازاندیشانه (تأملی) به خود می‌گیرد (ساروخانی و رفعت‌جاه، ۱۳۸۳: ۱۳۵-۱۳۴).

بنابراین، هویت جنسیتی دانشجویان که بخشی از هویت اجتماعی آن‌ها است، امری برساخته بوده که در خلال مناسبات و تعاملات اجتماعی تولید و بازتولید می‌شود. دانشجویان دختر مورد مطالعه با مصرف سیگار سعی دارند «دیگری» برساخته‌شده از هویتشان توسط دیگران در خلال مناسبات اجتماعی را تغییر داده و هویت جنسیتی جدیدی را بر مبنای ارزش‌های حمل بر خود آرمانی خویش برسازند. از این رو است که آن‌ها متأثر از کسب حاملان مدرنیته، به‌ویژه رسانه‌ها و آموزش، دستخوش تحول هویتی شده و مصرف سیگار را به‌عنوان امری به‌هنجار و ابزاری برای تمایز، دیده شدن و مقاومت علیه گفتمان جنسیتی حاکم بر نهادهای جامعه می‌دانند. نتایج مطالعه‌ی سعیدی، دیباجی فروشانی و فیروزآبادی (۱۳۸۹) نیز دلالت بر نقش معکوس سنت‌زدایی و عاملیت در مصرف پنهانی سیگار توسط دختران داشت؛ به طوری که آن‌ها نشان دادند هرچه دختران سنت‌زدا تر باشند و از عاملیت بالاتری برخوردار باشند، میزان مصرف پنهانی سیگارشان نیز کمتر خواهد شد. به عبارت دیگر، زنان سنت‌زدا تر و با عاملیت بالاتر، بیشتر سیگارشان را به‌صورت علنی و آشکار می‌کشند و واهمه‌ی آن‌ها از آشکار شدن این موضوع کمتر است. از نظر ویرینگ، ویرینگ و کلی (2008)،

مصرف سیگار کارکردی مشابه و حتی بدیل اوقات فراغت دارد؛ به طوری که مصرف سیگار به شکل گیری هویت و به ویژه هویت جنسیتی زنان کمک می‌کند. مصرف سیگار هم حوزه‌ای برای انقیاد و سلطه‌ی زنان و هم حوزه‌ای برای مقاومت در برابر ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌های مسلط است. بنابراین، زنان در اواخر نوجوانی، به دلیل کمبود فرصت در تجارب اوقات فراغت، برای جست‌وجوی هویت از راه‌های دیگر کمک می‌گیرند، که سیگار کشیدن چنین نقشی را به‌عنوان ابزار مقاومت ایفا می‌کند. درحالی‌که مردان دارای الگوها و فرهنگی هستند که فعالیت‌های رقابتی فردی را برای آن‌ها فراهم می‌کند و حداقل درک هویتی را برای آن‌ها به ارمغان می‌آورد، زنان فاقد چنین فرهنگی هستند و بنابراین، از فرصت شرکت در فعالیت‌های اوقات فراغت به اندازه‌ی مردان محروم می‌شوند. بنابراین، سیگار کشیدن دانشجویان، به تعبیر هرْتل و مرمل‌اشتاین (۲۰۱۶)، یک کنش خودتعریفی و حتی بازتعریفی، به نظر نویسنده‌ی حاضر، یا به تعبیر بوتورف^۱ (۲۰۱۴) «عصیان زنانه» و یا به تعبیر پول و همکاران (۲۰۲۲) یک کنش مقاومت و مکانیسم مقابله‌ای برای افرادی با هویت‌های حاشیه‌ای و داغ‌نگ است که سعی می‌کنند با مصرف آن، هویت جنسیتی خود را بازتعریف و بازسازی کنند.

۶. نتیجه‌گیری

دلالت کلی یافته‌های تحقیق حاضر بر بازسازی هویت جنسیتی دانشجویان دختر مورد مطالعه است. گرچه در جامعه‌ی امروز نابرابری بین زنان و مردان کم‌رنگ شده است، اما هنوز تبعیض‌ها و نابرابری‌های جنسیتی در ساحت‌های مختلف زندگی دیده می‌شود؛ هنوز زنان جایگاه فرودستی نسبت به مردان در وضعیت قدرت - منزلت دارند و سهم آنان از میدان‌های جامعه و سرمایه‌های حک شده در آن بسیار اندک است. جامعه برخی رفتارها و عملکردها را مردانه می‌داند و انجام آن رفتارها و عملکردها توسط زنان با واکنش نسبت به آن همراه است. برخی دانشجویان دختر از محدودیت‌ها و عدم آزادی که در زندگی روزمره و در جامعه دارند، احساس نابرابری و نارضایتی دارند؛ چرا که سیگار کشیدن از نگاه جامعه مختص مردان است. برخی دانشجویان دختر سیگار را مختص مردان نمی‌دانند و با مصرف سیگار سعی دارند در برابر نگاه تبعیض‌آمیز جامعه مقاومت کرده و هویت زنانه‌ی خویش را بازیابی و بازسازی نمایند. دختران با مصرف سیگار سعی دارند «خود» را در برابر «خود» شناسایی کرده و بر همین اساس، خود را به دیگران نیز بشناسانند. آن‌ها با این کار سعی می‌کنند به پرسش‌های «چه می‌خواهم» و «چیستم» پاسخ دهند و به این طریق، به ابعاد شخصیت خود هماهنگی و انسجام نسبی بخشند (علی‌خانی، ۱۳۸۶: ۳۴۲). به تعبیر بودریار (۱۳۹۴)، ما در عصری قرار گرفته‌ایم که بشر

زیر سلطه و محاصره‌ی اشیا قرار گرفته است. مصرف‌کننده به‌طور منطقی از یک شی به‌سمت شی دیگر می‌رود و در حصار اشیا گرفتار می‌شود (بودریار، ۱۳۹۴: ۱۷). از نظر باکاک (۱۳۸۱)، این اشیا و کالاهای مادی حامل معانی اجتماعی‌اند. مصرف‌سیگار توسط دانشجویان دختر نیز، در همین چارچوب تحلیلی، با خود نشانه‌های فرهنگی و اجتماعی به همراه دارد و دانشجویان از آن‌ها برای دستیابی به هویت اجتماعی استفاده می‌کنند (نقل از: نقدی، معمار و داستانی، ۱۳۹۷: ۱۸۸).

از طرف دیگر، دانشگاه نیز بخشی از خُرده‌نظام فرهنگی جامعه است و به‌حتم تجربه‌ی متمایز جنسیتی در دانشگاه محصول هنجارهای اجتماعی است که نوع رفتار صحیح متناسب با جنسیت را از دختر و پسر تعیین می‌کند. در حقیقت، اُریب جنسیتی^۱ در شیوه‌ی جامعه‌پذیر کردن دختران و پسران به دانشگاه نیز انتقال یافته و شاهد همان تجاربی از دختر و پسر بودن در دانشگاه هستیم که در فضای خانواده بودیم و درعین حال، در فضای جامعه نیز استمرار دارد. بنابراین، دانشگاه در قالب خُرده‌نظام فرهنگ در تعامل با خُرده‌نظام‌های دیگر (اقتصاد، اجتماع، سیاست)، گفتمان مسلط مردانگی و زنانگی را تشکیل می‌دهند و طبیعتاً سوژه‌هایی را برمی‌سازند که در راستای گفتمان مربوطه است (حبیب‌پور گتایی، ۱۳۹۶: ۳۸-۳۹). میشل کیمل در کتاب «جامعه‌ی جنسیتی»^۲ (Kimmel, 2000) چنین جامعه‌ای را متشکل از نهادهایی می‌داند که ساختارهای مشخصی که عموماً جنسیتی‌اند بر آن حاکم‌اند. در چنین جامعه‌ای، نهادهای جنسیتی (از جمله خانواده، مدارس، دانشگاه‌ها و محل کار) به‌عنوان مراکز مراقبتی پنهان، هویت‌هایی را در مردان و زنان برمی‌سازند که یکسره جنسیتی‌اند و کردارهای مشخص و متمایزی را از این هویت‌ها شاهدیم. دانشجویان دختر با مصرف سیگار و استفاده از آن به‌عنوان امری به‌هنجار و ابزاری برای تمایز، دیده شدن و مقاومت علیه این گفتمان مردانگی و نظام دانایی، سوژه‌سازی و کردارهای تقسیم‌کننده‌ی آن در جامعه، سعی در بازسازی هویت جنسیتی خود داشته و خواهان آن‌اند «دیگری» برساخته‌شده از هویتشان توسط دیگران در خلال مناسبات اجتماعی را تغییر داده و هویت جنسیتی جدیدی را بر مبنای ارزش‌های مدرن حمل بر خود آرمانی خویش برسانند. به‌تعبیر گیدنز، این هویت جنسیتی زنان مدرن امری ثابت و لایتغیر نبوده و تحت تأثیر شرایط و زمینه‌های مختلف، دستخوش فرایند «بازاندیشی» است؛ یعنی دانشجویان دختر امروز در جامعه‌ی مدرن، انسان بازاندیش‌اند و به تعریف و بازتعریف خود از طریق مشاهده و بازتاب اطلاعات روانشناختی و اجتماع در باره‌ی مسیرهای ممکن زندگی می‌پردازند، دائماً هویت شخصی خود را خلق و تصحیح می‌کنند، و این‌که که هستند و چگونه این‌گونه شدند را مدام مرور می‌نمایند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۵-۲۴).

1. gender bias
2. The Gendered Society

در پایان، این سؤال مطرح می‌شود که برای مواجهه با پدیده‌ی مصرف سیگار در بین دانشجویان دختر دانشگاه خوارزمی چه باید کرد؟ گرچه ابتدای مقاله‌ی حاضر بر ارائه‌ی سیاست‌ها و راهکارهای مقتضی در رابطه با مصرف سیگار در بین دانشجویان دختر نیست و حتی مرادش این نیست که به شکل هنجاری یکسری راهکارها را پیش‌رو قرار دهد، اما بر اساس صورت‌بندی‌های مفهومی و تجربی تحقیق، می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه داد:

(۱) جریان‌سازی رویکرد جنسیتی و اتخاذ سیاست‌های حساس به جنسیت در سطوح مدیریتی دانشگاه؛

(۲) انجام اقدامات پیشگیرانه‌ی لازم از سوی مسئولان دانشگاه، مانند گسترش مراکز مددکاری و مشاوره‌ای اجتماعی، برای آموزش دانشجویان و خانواده‌ها؛

(۳) اهتمام بیشتر مسئولین دانشگاه در جهت غنی‌سازی اوقات فراغت دانشجویان به شکل مطلوب و از طریق گسترش امکانات تفریحی، ورزشی و فرهنگی دانشگاه و خوابگاه؛

(۴) ارائه‌ی برنامه‌های آگاهی‌بخش جهت آشناسازی دانشجویان با مواد دخانی و عواقب آن؛

(۵) تلاش مسئولین دانشگاه در جهت معرفی، توسعه و پایدارسازی دانشگاه خوارزمی به عنوان دانشگاه عاری از دخانیات (از طریق برنامه‌هایی مانند برگزاری کلاس‌های آموزشی، توزیع بروشورهای آموزشی، اطلاع‌رسانی و تبلیغات مؤثر در سطح دانشگاه).

۷. تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسنده بیان نشده است.



منابع

- ابراهیمی، حسین؛ صاحبی حق، محمدحسن؛ غفرانی پور، فیض‌الله؛ محمدپور اصل، اصغر؛ و صادق تبریزی، جعفر (۱۳۹۴). الگوهای مصرف سیگار در بزرگسالان سیگاری در ایران: تحلیل محتوی. مجله‌ی دانشکده‌ی پرستاری و مامایی ارومیه، ۱۳(۱۲)، ۱۱۱۸-۱۱۰۴.
- احتشامی، علی (۱۳۹۴). دروازه‌ی ورود به اعتیاد. فصلنامه‌ی سلامت اجتماعی و اعتیاد، ۲(۵)، ۸۷-۱۰۲.
- افراسیابی، حسین؛ و مداحی، جواد (۱۳۹۴). شناسایی و تبیین عوامل خوابگاهی در اعتیاد به سیگار دانشجویان. همایش ملی هزاره‌ی سوم و علوم انسانی، شیراز.
- اکبری، یونس؛ و سراج‌زاده، سیدحسین (۱۳۹۷). مطالعه‌ی طولی تغییرات مصرف و نگرش نسبت به مواد و تغییرات مصرف مشروبات الکلی و سیگار در بین نمونه‌ای از دانشجویان بر اساس یک طرح پانل گذشته‌نگر. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۵(۱۱)، ۳۷-۹.
- انصاری، رضوان؛ خسروی، علی‌رضا؛ و مختاری، محمدرضا (۱۳۸۶). شیوع و علل گرایش به سیگار در دانشجویان پزشکی. مجله‌ی علمی دانشگاه علوم پزشکی سمنان، ۹(۱)، ۲۷-۲۱.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی (مترجم: تورج یاراحمدی). تهران: شیرازه.
- حبیب‌پور گتایی، کرم (۱۳۹۶). بر ساخت اجتماعی تفاوت: جنسیت در کلاس درس دانشگاهی. تهران: مؤسسه‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- حبیب‌پور گتایی، کرم (۱۳۹۸). انگاره‌ی مصرف دخانیات در بین نمونه‌ای از شهروندان تهران. دوفصلنامه‌ی مسائل اجتماعی ایران، ۱۰(۲)، ۸۵-۱۰۹.
- رضاخانی مقدم، حامد؛ شجاعی‌زاده، داوود؛ صادقی، رویا؛ پهلوان‌زاده، باقر؛ شکوری مقدم، رویا؛ و فاتحی، وحید (۱۳۹۱). بررسی شیوع و علل گرایش به مصرف سیگار و قلیان در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹. فصلنامه‌ی دانشکده‌ی بهداشت یزد، ۱۱(۱۴)، ۱۱۳-۱۰۳.
- رمضانی، طاهره؛ گواری، فاطمه؛ محمد‌علیزاده، سکینه؛ ریانی، مسعود؛ و بهرام‌پور، محمدرضا (۱۳۸۹). شیوع و علل گرایش به مصرف سیگار در دانشجویان دانشگاه‌های شهر کرمان. مجله‌ی دانشکده‌ی پرستاری و مامایی رازی کرمان، ۱۰(۱۹)، ۱-۶.
- ساروخانی، باقر؛ و رفعت‌جاه، مریم (۱۳۸۳). زنان و بازتعریف هویت اجتماعی. مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، ۵(۲)، ۱۶۰-۱۳۳.
- ساروخانی، باقر؛ و رفعت‌جاه، مریم (۱۳۸۳). عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در بازتعریف هویت اجتماعی زنان. فصلنامه‌ی پژوهش زنان (زن در توسعه و سیاست)، ۲(۱)، ۹۱-۷۱.
- سراج‌زاده، سیدحسین؛ و حبیب‌پور گتایی، کرم (۱۳۹۸). خوابگاه دانشجویی و آسیب‌های اجتماعی دختران (مورد مطالعه: خوابگاه‌های دانشجویی دانشگاه‌های دولتی). فصلنامه‌ی بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۰(۱)، ۷-۳۶.





- سعیدی، علی اصغر؛ دباجی فروشانی، شکوه؛ و فیروزآبادی، احمد (۱۳۸۹). عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر مصرف سیگار در بین زنان و دختران شهر تهران. فصلنامه‌ی بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱(۴)، ۹۲-۷۳.
- سیف‌اللهی، سیف‌الله؛ و رازقیان، آناهیتا (۱۳۸۷). عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت جنسیتی زنان در ایران (مطالعه‌ی موردی: تهران). پژوهشنامه‌ی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد گرسار، ۲(۳)، ۵۴-۲۷.
- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۲). آسیب‌شناسی اجتماعی: جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی. تهران: آن.
- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله؛ و قادری، صلاح‌الدین (۱۳۸۸). ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و هویت دانشجویان بر مبنای مؤلفه‌های سنتی و مدرن. فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی، ۲(۸)، ۶۳-۳۵.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۴). تاریخ نظریه‌های انسان‌شناسی. تهران: نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹). گفتارهایی درباره‌ی یکپارچگی جهانی (مترجم: علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب). تهران: علم و ادب.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). چشم‌اندازهای جهانی (مترجم: محمدرضا جلالی‌پور). تهران: طرح نو.
- نقدی، اسدالله؛ معمار، ثریا؛ و داستانی، مریم (۱۳۹۷). تحلیل جامعه‌شناختی بازتعریف هویت اجتماعی زنان در پرتو تمایلات مصرف‌گرایانه؛ مورد مطالعه: زنان متولد دهه‌های ۵۰، ۶۰ و ۷۰ شهر اصفهان. فصلنامه‌ی جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۹(۴)، ۲۰۸-۱۸۳.
- هومین‌فر، الهام (۱۳۸۲). تحول جامعه‌پذیری جنسیتی. پژوهش زنان، ۱(۷)، ۱۱۳-۹۰.
- یوسف‌وند، سامان؛ کاروانی، عبدالطیف؛ و رئیسی، سمیه (۱۳۹۹). از مقاومت تا پذیرش کلیشه‌های جنسیتی در میان دختران بلوچ (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه ولایت ایرانشهر). فصلنامه‌ی جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر، ۲(۴)، ۲۱-۱.
- Afrasyabi, Hossein, & Maddahi, Javad (2014). Identifying and explaining dormitory factors in students' smoking addiction. National Conference of the Third Millennium and Human Sciences, Shiraz.
- Ahmed, Mandil, Abdulaziz, Binsaeed, & Shaffi, Ahmad (2010). Smoking among University Students: A Gender Analysis. *Journal of Infection and Public Health*, 3(4), 179-187.
- Akbari, Yunes, & Serajzadeh, Seyed Hossein (2017). A longitudinal study of changes in substance use and attitudes and changes in alcohol and cigarette use among a sample of college students based on a retrospective panel design. *Sociology of Social Institutions*, 5(11), 9-37.
- Ansari, Rezvan, Khosravi, Alireza, & Mokhtari, Mohammad Reza (2016). Prevalence and causes of smoking tendencies in medicine students. *Scientific Journal of Semnan University of Medical Sciences*, 9(1), 21-27.
- Baheiraee, Azam, Mirghafourvand, Mojgan, Mohammadi, Eesa, & Majdzadeh, Reza (2016). Experiences of Cigarette Smoking among Iranian Educated Women: A Qualitative Study. *International Journal of Preventive Medicine*, 7(93). Doi:10.4103/2008-7802.186585.



- Bottorff, J.L. et al. (2014). Gender, Smoking and Tobacco Reduction and Cessation: A Scoping Review. *International Journal for Equity in Health*, 13(114), Doi:10.11/s12939-014-0114-2.
- Bourdieu, Pierre (1984). *Distinction*. London: Routledge.
- Ebrahimi, H., Sahebihagh, M. H., Ghofranipour, F., Mohammadpoorasl, A., & Tabrizi, J. (2016). CIGARETTE SMOKING PATTERNS IN ADULT SMOKERS OF IRAN A CONTENT ANALYSIS STUDY. *Nursing and Midwifery Journal*, 13(12), 1104-1118.
- Ehtashami, Ali (2014). The gateway to addiction. *Social Health and Addiction Quarterly*, 2(5), 87-102.
- Fakuhi, Naser (2004). *History of anthropological theories*. Tehran: Ney.
- Giddens, Anthony (2000). *Speeches about global integration* (Ali Asghar Saeidi & Yusef Haji Abdul Wahab, Trans.). Tehran: Elm and Adab.
- Giddens, Anthony (2004). *Global Perspectives* (Mohammad Reza Jalaeipour, Trans.). Tehran: New Design.
- Habibpour Gatabi, Karam (2016). *The social construction of difference: gender in the university classroom*. Tehran: Institute of Cultural and Social Studies.
- Habibpour Gatabi, Karam (2018). The pattern of smoking among a sample of Tehrani citizens. *Iranian Social Problems Quarterly*, 10(2), 85-109.
- Hertel, Andrew W., & Mermelstein, Robin J. (2016). Smoker Identity Development among Adolescents who Smoke. *Psychology of Addictive Behaviors*, 30(4), 475-483. doi:10.1037/adb0000171.
- Hominfar, Elham (2012). The transformation of gender socialization. *Women's Research*, 1(7), 113-90.
- Jenkins, Richard (1381). *Social identity* (Toraj Yarahamdi, Trans.). Tehran: Shiraz.
- Kimmel, Michael (2000). *The gendered society*. New York: Oxford University Press.
- Naqdi, Asadullah, Memar, Soraya, & Dastani, Maryam (2017). Sociological analysis of the redefinition of women's social identity in the light of consumerist tendencies; case of study: women born in the 50s, 60s and 70s in Isfahan city. *Quarterly of Applied Sociology*, 29(4), 183-208.
- Poole, R. Et al. (2022). Tobacco Use, Smoking Identities and Pathways into and out of Smoking among Young Adults: A Meta-ethnography. *Substance Abuse Treatment, Prevention, and Policy*, 17(24). Doi: 10.1186/s13011-022-00451-9.
- Ramezani, Tahereh, Govari, Fatemeh, Mohammad Alizadeh, Sakineh, Riani, Masoud, & Bahrampour, Mohammadreza (2009). Prevalence and causes of tendency to smoke among university students in Kerman. *Kerman Razi College of Nursing and Midwifery Journal*, 10(19), 1-6.

- Rezakhani Moghadam, Hamed, Shojaizadeh, Dawood, Sadeghi, Roya, Pahlavanzadeh, Bagher, Shakuri Moghadam, Roya, & Fatehi, Vahid (2012). Investigating the prevalence and causes of smoking and hookah smoking among students of Tehran University of Medical Sciences in the academic year of 2019-2019. *Yazd Health Faculty Quarterly*, 11(14), 103-113.
- Saedi, Ali Asghar, Dibaji Forushani, Shokoh, & Firuzabadi, Ahmad (2009). Sociological factors affecting smoking among women and girls in Tehran. *Iranian Social Problems Quarterly*, 1(4), 73-92.
- Saifullahi, Saifullah, & Razeghian, Anahita (2007). Social factors affecting women's gender identity in Iran (case study: Tehran). *Journal of Social Sciences of Garmsar Azad University*, 2(3), 27-54.
- Sarokhani, Bagher, & Rafatjah, Maryam (2004). Sociological factors affecting redefining women's social identity. *Women's Research Quarterly (Women in Development and Politics)*, 2(1), 71-91.
- Sarokhani, Bagher, & Rafatjah, Maryam (2004). Women and the redefinition of social identity. *Journal of Iranian Sociology*, 5(2), 133-160.
- Seddiq Sarvestani, Rahmatullah (2003). *Social pathology: sociology of social deviations*. Tehran: An.
- Seddiq Sarvestani, Rahmatullah, & Ghaderi, Salahuddin (2009). Cultural, social, political dimensions and identity of students based on traditional and modern components. *Cultural Research Quarterly*, 2(8), 35-63.
- Serajzadeh, Seyed Hossein, & Habibpour Gatabi, Karam (2018). Student dormitory and girls' social pathologies (case study: student dormitories of state universities). *Iranian Social Problems Quarterly*, 10(1), 7-36.
- Tehrani, Hadi et al. (2022). Eploration factors on smoking among female adolescents based on the viewpoints of Iranian adolescent girls. *BMC Women's Helath*, 22(203). DOI:10.1186/s12905-022-01791-1.
- Thiangtham, Weena, Kalampakorn, Surintorn, Intharanate, Thitima, & Sorsin, Wanpen (2013). The life experiences of Thai women and smoking: a phenomenological study. *J Med Assoc Thai*, 96(5), 55-63.
- Vienna, M., Hariani, R., & Istiani, M. (2020). Self Identity in Women Smokers – a Phenomenological Study in Young Adult Women. *European Journal of Special Education Research*, 6(3), 140-149. DOI:10.46827/ejse.v6i3.3390.
- Wearing, Besty, Wearing, Stephan Leslie, & Kelly, Kathy (2008). Adolescent Women, Identity and Smoking: Leisure Experience as Resistance. *Sociology of Health & Illness*, 16(5), 626-643. DOI:10.1111/1467-9566.ep11348382.
- Yusefvand, Saman, Karwani, Abdul Latif, & Raeisi, Somayeh (2019). From resistance to acceptance of gender stereotypes among Baloch girls (case of study: students of Iranshahr Velayat University). *Quarterly of Sociology of Culture and Art*, 2(4), 1-21.

